



نمودار ۴  
 زنان غیرفعال اقتصادی به  
 تفکیک خانه دار، محصل، دارای  
 درآمد بدون کار، سایرین  
 سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (نفر)  
 ماخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری  
 از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری  
 خانوار - نتایج آمارگیری نیروی کار

اما متأسفانه در کشور ما این امر هم ناقص است، چون فنی و حرفه‌ای بنا به مقتضیات خودش کارجو طراحی می‌کند نه نیاز بازار کار. نگاه نمی‌کند نیاز آن منطقه، استان و شهرستان چیست. ما هیچ مطالعه‌ای در خصوص اینها نداریم پس مهارت‌آموزی ما هم مهارت‌آموزی خوبی نیست که افراد را به تولید برساند. به دلیل سیاست‌های غلطی که برای مدارک فنی و حرفه‌ای مطرح شده است، فردی برای قالبیابی ۵ میلیون وام می‌گیرد و کار می‌کند اما به بازار اصلی متصل نیست و سود اصلی را فرد دیگری می‌برد. مهارت‌افزایی در هر منطقه و استان به استان متفاوت است و اگر بخواهید صرفاً رویکرد این باشد که درآمدی داشته باشید، مثل کاری است که نهادهای حمایتی انجام می‌دهند تا نیرو یک سال دو سال کار داشته باشد؛ با یک درآمد موقت؛ این را نمی‌توان قرار گرفتن در مسیر توسعه دانست. به عنوان مثال یک خانمی که مدرک قالبیابی یا صنایع دستی می‌گیرد، بازاریابی و زنجیره ارزش برای آن پیش‌بینی نشده است. بنابراین شغل پایدار نخواهد داشت. مشاغل خانگی در بعضی کشورها خود عامل توسعه است زیرا لینک زنجیره ارزش برای آن ایجاد شده است. شغل خانگی است، اما به‌بنگاهی بزرگ متصل است و نیاز آن را تأمین می‌کند، پس همیشه بازار و دوام وجود دارد به علاوه به مرور زمان می‌تواند کارش را گسترش بدهد و برای آن شعبه‌های بیشتری زده شود.

از سوی دیگر بین مرد و زن در سطح کلان تبعیض وجود دارد مثل عرصه‌های مدیریتی و در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت‌های خاص و حضور زنان را در این نوع مشاغل کمتر می‌توان دید. این موارد باعث می‌شود وقتی چالش‌ها را نمی‌بینیم حضور زنان به مراتب کم‌رنگ‌تر شود.

**برخی آمار نشانگر آن است که در طول مدت بیکاری زن و مرد تحصیل‌کرده تفاوت وجود دارد، علت آن چیست؟**

معمولاً این عدم تطابق بین زنان بیشتر است. وقتی سهم زنان تحصیل‌کرده از کل بیکاران و سهم زنان تحصیل‌کرده از کل شاغلین مقایسه می‌شود، متوجه می‌شویم سهم زنان تحصیل‌کرده در شاغلان سهم ناچیز و در بین بیکاران سهم بالایی است. این بحث عدم تطابق شغلی که زن تحصیل می‌کند تا شغل خود را پیدا کند در بین زنان بیشتر است تا

بعضی از فصول به ۶۰ درصد هم رسید. بعد از شوک کرونا، یک میلیون و پانصد شغل از دست دادیم. سهم عمده در از دست دادن شغل در زمان کرونا مشاغل غیررسمی، زنان و در بخش خدمات بود که در دوره طلایی همین مشاغل زیاد شده بود. مشاغل خانگی در کشور مادر دسته مشاغل ناپایدار است. این نوع مشاغل صرفاً رویکرد حمایتی با درآمدزایی موقت دارند. معمولاً هدف‌گذاری آن برای افراد آسیب‌پذیر است. در مشاغل خانگی مانگرش توسعه‌ای و ایجاد ارزش افزوده پایدار نداریم. در سیاست‌های اشتغالزایی هم اگر صد کنیم سیاست اشتغالزایی خاصی برای زنان نداریم. با وجود اینکه ۵۰ درصد جمعیت در سن کار ما خانم هستند و پایه‌ای مردان در عرصه تحصیل دانش، مهارت و موارد دیگر حضور دارند اما به عنوان جمعیت فعال یا شاغل شناخته نشده‌اند و سهم‌شان پایین است یعنی الان ۲۰ درصد جمعیت شاغل ما زنان هستند و ۸۰ درصد مردان هستند. مهم‌ترین سیاست‌های اشتغالزایی ما طرح ضربتی اشتغال و قانون اشتغال راستایی بود و بند الف تبصره ۱۸ که از ۹۶ به بعد هر سال در قانون بودجه سالیانه آورده می‌شود، ولی هیچ نوع هدف‌گذاری خاصی برای زنان نمی‌بینیم با توجه به اینکه این مسأله واقعاً اهمیت بسیاری دارد. (نمودار ۴)

**اینکه خانم‌ها را به سمت تحصیلات هدایت کنیم بهتر است یا مهارت‌هایشان را افزایش دهیم؟**

اگر تحصیلات خوب بود، معضلی به نام عدم تطابق شغلی نداشتیم و این عدم تطابق شغلی در زنان به مراتب خیلی بیشتر از مردان است. یعنی طرف تحصیل کرده و متناسب با تحصیلات خودش کار پیدا کرده است.

مشاغلی که از سال ۹۳ تا ۹۸ ایجاد شد از این دسته بودند که صرفاً درآمدی جانبی داشتند. یعنی طرف درسش را خوانده ولی غیرفعال بود و یک‌دفعه می‌بیند زندگی این‌گونه نمی‌چرخد پس مجبور بود کسب و کار راه بیندازد و امرار معاش کند.

**عدم تطابق شغلی هم به سیاست‌ها برمی‌گردد؟**

مانتوانستیم در نظام آموزش عالی لینک بین صنعت و دانشگاه را برقرار کنیم. مهارت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بازمی‌گردد که معمولاً سهم عمده اشتغال را در خیلی از کشورها دارند،